

بازنمایی خشونت در ضرب‌المثل‌های لکی^۱

مسعود گلچین^۲، سیاوش قلی‌پور^۳، صلاح‌الدین قادری^۴، علی‌حیدر حیدری^۵

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۹۸۸۴-۴۶۶۹-۰۰۰۳-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۹۵۵۹-۶۲۴۶-۰۰۰۱-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۶۲۸۹-۵۳۲۰-۰۰۰۱-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۶۹۷-۴۳۳۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰

چکیده

بخش مهمی از فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی اجتماعات مختلف انسانی، ضرب‌المثل‌هایی است که به‌طور جمعی ساخته و پرداخته شده و بنیادهای فرهنگی آن‌ها را منعکس می‌کند. مقاله حاضر، در پی فهم اجتماعی خشونت و آشکال آن در تجربه زیسته مردمان لک‌زبان و نسبت آن با هویت مردانه و زنانه است که در ضرب‌المثل‌های لکی بازنمایی شده‌اند. رویکرد نظری این نوشتار بر پایه اندیشه‌های دیوید متزا، نیسبت و کوهن، نظریه کنش پارسونز، مفهوم مردانگی رابرت کانل و نظریه خشونت زبانی دریدا استوار است. داده‌ها با بررسی منابع کتبی و شفاهی مربوطه گردآوری و پس از راستی‌آزمایی و مضمون‌کاوی از طریق مصاحبه با ۲۰ نفر از مردان پنجاه سال به بالای خبره و مطلع نسبت به فرهنگ عامه لکی، به شیوه «تحلیل محتوای کیفی» تجزیه و تحلیل شدند. ضرب‌المثل‌هایی که بر مضامین خشونت‌آمیز دلالت دارند یا مروج خشونت هستند، در چهار مقوله اصلی شامل «خشونت کلامی، خشونت ابزار سلطه، تشویق به خشونت، خصومت و ستیزه‌جویی» دسته‌بندی شده‌اند. همچنین «خشونت عامل همبستگی درون‌گروهی و به‌مثابه راه‌حل مسائل اجتماعی» به‌عنوان مضمون اصلی پژوهش شناخته شد. در ضرب‌المثل‌های لکی، خشونت در آشکال گوناگونی چون «خشم و پرخاشگری، تحقیر و توهین، تبعیض علیه زنان و تهدید به استفاده از خشونت» بازنمایی شده است. بین خشونت و هویت مردانه تطابق و هم‌گرایی وجود دارد و صفت مرد بر کسانی اطلاق می‌گردد که توانایی به‌کاربردن خشونت را داشته باشند. در این ضرب‌المثل‌ها نگرش و تصور مطلوبی در برابر پدیده خشونت وجود دارد؛ به‌طوری‌که خشونت با عناصر مقدس مذهبی هم‌تراز است. چنین نگرشی نسبت به پدیده خشونت دارای ساخت و بافتی قومی و قبیله‌ای است که در آن هر گروه ناچار به تأمین امنیت خود بوده است؛ ازاین‌رو، در چنین اجتماعی مردان به‌عنوان نیروی جنگی و تأمین‌کننده امنیت همواره از جایگاهی برتر و موقعیتی ممتاز برخوردار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: خشونت، ضرب‌المثل‌های لکی، هویت مردانه، همبستگی درون‌گروهی، بافت قومی و قبیله‌ای

۱. این مقاله از رساله دکتری علی‌حیدر حیدری، دانشجوی رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی) استخراج شده است.

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) / golchin@khu.ac.ir

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران / Sgholipoor@razi.ac.ir

۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران / salahedin.gh@khu.ac.ir

۵. دانشجوی دکتری رشته بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران / ali.h.heydari94@gmail.com

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۰

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۴۸-۲۲۹

۱. مقدمه و بیان مسئله

بخش مهمی از فرهنگ عامه (فولکلور) و ادبیات شفاهی اجتماعات مختلف انسانی، کلمات قصار و ضرب‌المثل‌هایی است که به‌طور جمعی ساخته و پرداخته شده و بنیادهای فرهنگی آن‌ها را بازتاب می‌دهند. «مَثَل» واژه‌ای عربی و اخذشده از مادهٔ مَثُول است و در لغت‌نامه‌ها «برهان»، «پند»، «قصه»، «علامت» و «سرگذشت» معنا شده است. در فارسی به مَثَل «داستان»، «نمون»، «تمثیل» و «ضرب‌المثل» نیز گفته‌اند (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۱۴-۱۱۱).

ضرب‌المثل‌ها گویندهٔ مشخصی ندارند و در درازنای تاریخ توسط عامهٔ مردم بیان و در طی اعصار متمادی صیقل داده شده‌اند تا در موقعیت‌های اجتماعی خاصی به کار آیند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۵). ضرب‌المثل‌ها در قالب عباراتی کوتاه و درعین حال پرمعنا، بیان‌کنندهٔ نگرش‌ها و باورهای مردم هر جامعه و ابزاری قدرتمند در شکل‌دادن به آگاهی‌ها، نگرش‌ها و باورهای اخلاقی افراد به شمار می‌آیند (موحد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). عامهٔ مردم، مسائل اجتماعی عصر و زمان خویش را در قالب جمله‌ها و اصطلاحات کوتاه به‌عنوان «ضرب‌المثل» بر ساخت می‌کنند. بدین ترتیب، مطالعهٔ ضرب‌المثل‌ها و کلمات قصار به ما برای شناخت مردم یک جامعه از پدیده‌های اجتماعی کمک می‌کند.

ضرب‌المثل‌ها بخش مهمی از ادبیات شفاهی قوم^۱ هستند که دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی اقوام لک از جمله خشونت در آن‌ها بازنمایی شده‌اند. خشونت، معادل violence، به معنای کاربرد زور، از ریشه واژه لاتین violare گرفته شده است. خشونت به معنای کاربرد زور، پدیده‌ای ریشه‌دار و دارای دیرینگی بسیار در تاریخ جوامع بشری است؛ به‌طوری‌که رد پای آن را در کتاب‌های مقدس، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تاریخ و سرگذشت انسان‌ها و جوامع اعم از ادبیات شفاهی و نوشتاری به‌وفور مشاهده می‌کنیم. از آن جمله می‌توان به داستان هابیل و قابیل و نظایر آن در کتاب‌های مقدس اشاره کرد (اسکات، ۱۹۷۹: ۱۹۷).

رشد و افزایش خشونت در بین شهروندان به کم‌رنگ شدن قواعد اخلاقی، ضوابط قانونی و مناسبات انسانی که روابط افراد را تنظیم می‌کنند، منجر می‌شود. هرگاه در یک جامعه آمارها، میزان و آشکال خشونت افزایش یابد و یا شهروندان احساس کنند این پدیده رو به گسترش است، حساسیت عمومی دربارهٔ آن افزایش می‌یابد و از حالتی عادی به مسئله‌ای اجتماعی و بحرانی تبدیل می‌گردد.

خشونت، رفتاری است که با هدف آسیب‌رساندن به دیگری سر می‌زند و دامنهٔ آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل (یعنی آسیب‌رساندن جسمانی یا روانی به فرد دیگر) گسترده است. در نظام قضایی و انتظامی ایران، خشونت شامل قتل عمد، ضرب و جرح و تخریب می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳ و آزاد ارمکی، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۶).

۱. زبان لکی، زبان قوم لک است که در یک ناحیهٔ کوهستانی نسبتاً بزرگ در رشته‌کوه‌های زاگرس در محل تلاقی استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان زندگی می‌کنند. زبان لکی از زبان‌های شمال غربی ایران (شاخه‌ای از پارسی میانه) است که قدمتی چند هزار ساله دارد و بیشتر واژه‌های آن در زبان اوستایی و پهلوی آمده‌اند (صفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳).

خشونت پیش از آنکه پدیده ای فردی باشد، اقدامی اجتماعی است و بیش از آنچه ضد اجتماعی باشد، اجتماعی است. خشونت در چهارچوب فرهنگ ساخت می یابد و از نظر فرهنگی تعبیر و تفسیر می شود (محسنی، ۱۳۹۹: ۱۲۴). اگرچه تصور عمومی بر این است که خشونت پدیده ای نامطلوب است و در انظار عمومی با تنفر و انزجار به آن نگریسته می شود؛ ولی در برخی اجتماعات و فرهنگ های محلی، برخی کنشگران نه تنها رفتار خشونت گرایانه را نامطلوب تلقی نمی کنند، بلکه از نگاه آن ها رفتار خشونت آمیز شاخص منزلت اجتماعی، عاملی برای کسب جایگاه مناسب در گروه دوستان و همسالان و وسیله ای برای کسب عزت نفس و احترام اجتماعی است (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳).

خشونت یکی از دلایل اصلی عوارض ناخوشی و مرگ و میر در میان جوانان جهان است (سیلوا، ۲۰۱۹). در سال ۲۰۱۶، حدود یک میلیارد کودک و نوجوان به نحوی از انحاء قربانی خشونت شده اند (هیلز و کرس، ۲۰۱۶^۲ به نقل از سیلوا، ۲۰۱۹). خشونت در تمام ابعاد آن، بر سلامت روانی و جسمانی شهروندان به خصوص گروه های آسیب پذیرتر جامعه مثل کودکان و زنان تأثیر نامطلوبی دارد؛ روابط بین شهروندان را مسموم و اعتماد بین آن ها را تضعیف و همزیستی مسالمت آمیز و روابط سالم بین افراد را به تشنج و تنش تبدیل می کند. در جامعه ای که میزان و نرخ خشونت در بین شهروندان بالا باشد، احساس امنیت و آرامش پایین تر خواهد بود و از میزان سرمایه اجتماعی کاسته می شود، به بازتولید چرخه مستمر و مداوم خشونت در روابط اجتماعی منجر می گردد و به انسداد راه های کنش مسالمت آمیز و مساوات طلبانه بین شهروندان می انجامد.

جرائم خشونت آمیز یا جرائم علیه افراد در مقایسه با جرائم علیه اموال، در افکار عمومی بیش از حد بازنمایی می شوند. نسبت گزارش های روزنامه ها در مورد جرائم خشونت آمیز به جرائم مالی، ۸ به ۲ بوده است؛ هرچند در همان دوره بر اساس آمارهای رسمی نسبت جرائم مالی به جرائم خشونت آمیز، ۹ به ۱ بوده است (مارش، ۱۹۹۰: ۷۳-۷۲). نزاع فردی که نوعی از اشکال خشونت است در شهرستان های لک نشین کوه دشت، دلفان و سلسله در سال ۱۳۹۶ به ترتیب ۷۶۶، ۶۴۸ و ۴۸۵ و در سال ۱۳۹۷ به ترتیب ۸۴۶، ۶۷۰ و ۴۷۷ مورد و نزاع دسته جمعی که نوع دیگری از خشونت است، در این شهرستان ها در سال ۱۳۹۶ به ترتیب، ۸۰، ۴۹ و ۳۹ مورد و در سال ۱۳۹۷ به ترتیب، ۱۰۲، ۴۷ و ۱۳ مورد گزارش شده است (سالنامه آماری ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ استان لرستان). آمارهای یاد شده نمایانگر آن اند که اشکال گوناگون خشونت در این مناطق رایج است. هرچند این آمارها گویای تمام واقعیت نیستند، زیرا شمار زیادی از پیشامدهای خشونت آمیز بدون ارجاع به مراجع و نهادهای انتظامی و قضایی به صورت کدخدانمنشی و با پادرمیانی بزرگان طوایف فیصله داده می شوند؛ باین همه، اشکال گوناگون خشونت، اعمال قدرت و زور برای دستیابی به اهداف شخصی و قومی برخلاف قانون، حتی در روابط و نهادهای رسمی در شهرستان های لک نشین لرستان به عنوان پدیده ای روزمره و آشکار، نمودی غیر قابل انکار دارد.

1. Aline Natalia Silva

2. Hillis & Kress

مجموعه‌ای از تعارضات بین فردی و قومی در شهر، گرداگرد شهرها و مناطق روستایی که از نگاه ناظران غیربومی و بومیان لک‌زبان به‌وفور قابل مشاهده است، رشته‌ای دائمی از خصومت‌ها و کینه‌های میان افراد و طوایف مختلف و انتقام‌گیری‌های پیوسته را در طول زمان زنده نگه‌داشته است. پیامدها و آثار منفی برآمده از به‌کارگیری خشونت افزون بر ضایعات جسمی و روحی، پرونده‌های زیادی را در مراجع انتظامی و قضایی به‌طور پیوسته و فزاینده بازتولید می‌کند. همچنین خشونت را به شکل نمادین و معیاری برای کسب منزلت در آورده و به‌صورت باری بر عهده خانواده‌ها، ریش‌سفیدان و بزرگان محلی بر جا گذاشته است.

از آنجاکه در ضرب‌المثل‌های لکی که متأثر از ساخت اجتماعی قومی و قبیله‌ای است و ریشه در باورها، اعتقادات و تجربه زیسته‌شان دارد، شواهد و نمونه‌هایی یافته می‌شوند که بر برساخت و بازتولید خشونت در نسل‌ها و اعصار متمماتی دلالت دارند؛ نوشتار حاضر در پی فهم اجتماعی خشونت و آشکال آن در تجربه زیسته نسل‌های پیشین مردمان لک‌نشین استان لرستان است که در ضرب‌المثل‌های ایشان بازنمایی شده است.

بدون آن‌که در این پژوهش مقایسه بینا فرهنگی و اجتماعی میان لک‌ها و غیر ایشان به‌طور آشکار یا پنهان مدنظر باشد، به نظر می‌رسد اقوام لک و اجتماعات مربوط به آن‌ها بیش از دیگر اقوام لر یا سایر عشایر و اجتماعات درگیر خشونت بوده و هستند. بر این اساس، کشف برخی ریشه‌های فرهنگی خشونت در قالب ضرب‌المثل‌های رایج لکی با معنا و مضمون خشونت‌آمیز مورد توجه است و نادیده گرفتن ابعاد غیرخشونت‌آمیز فرهنگ عامه و ضرب‌المثل‌های رایج در میان مردمان لک به‌هیچ‌وجه مقصود نیست.

بر پایه آنچه بیان شد، سؤال‌های راهنمای این پژوهش از این قرارند:

- در ضرب‌المثل‌های لکی، چه درک و تصویری در مورد خشونت وجود دارد؟
- خشونت در قالب چند مقوله کلی قابل طبقه‌بندی است؟
- خشونت چه نقشی در کسب هویت‌های جنسیتی مردانه و زنانه دارد؟
- و سرانجام تم یا مضمون مشترک، وحدت‌بخش و نهایی منتج از مقوله‌های مزبور که معنا و جایگاه خشونت در قوم لک را نمایندگی می‌کند، کدام است؟

۲. پیشینه پژوهش

در ضرب‌المثل‌های لکی، زن در مقام یک هستی با ویژگی‌های مثبتی مانند «قوام‌بخش، هویت‌بخش و بافضیلت» و با ویژگی‌های هویتی منفی «ابزاربودگی، بی‌خردی، اخلاق‌ستیزی و غیرمستقل» ترسیم و بازنمایی شده است. مقولات به‌دست‌آمده برای بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های لکی، یک‌دست نیستند و زن در سه دسته «دِت» (دختر)، «دا» (مادر) و «دایا» (پیرزن) ترسیم شده است. از این سه گروه، هویت گروه سنی «مادر» نسبت به دو گروه دیگر مثبت‌تر و هویت «پیرزن» از بقیه منفی‌تر بازنمایی شده است. در مجموع روح کلی حاکم بر ضرب‌المثل‌ها، تصویر و هویتی مرتبه دوم برای زنان قائل است و مردان در مقایسه با زنان از جهات مختلف برتر هستند و زنان تنها در کنار مردان هویت می‌یابند و جهان ضرب‌المثل‌ها، جهانی عمدتاً مردانه است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۹).

آسیایی (۱۳۹۱)، معتقد است «نفرین» گونه‌ای از خشونت زبانی است. نمونه‌های مشابه فراوانی از نفرین‌ها در زبان اقوام ترک و لک وجود دارد که به معنایی یکسان به کار می‌روند. با توجه به مشابهت‌های فراوانی که در نفرین‌های ترکی و لکی قابل مشاهده است، آن‌ها را می‌توان در چهار گروه نفرین‌های کالبدی (نقص عضو، بیماری و آرزوی مرگ)، نفرین‌های مادی (فقر و بی‌خانمانی)، نفرین‌های نسل‌سوز (قطع نسل، مرگ نزدیکان، ازهم‌پاشیدن خانواده) و نفرین‌های اجتماعی (بی‌آبرویی و روسیاهی) طبقه‌بندی کرد. با توجه به ساختار مردسالار موجود در این فرهنگ‌ها، نفرین توسط افرادی به کار گرفته می‌شود که امکان بهره‌گیری از سایر اشکال خشونت مانند خشونت جسمی را نداشته باشند. در چنین فرهنگ‌هایی، گویندگان نفرین به‌مثابه خشونت زبانی بیشتر زنان هستند و در اغلب منازعات، این‌گونه نفرین‌ها را برای هم‌جنسان خود به کار می‌برند.

ذوالفقاری (۱۳۸۶) ضرب‌المثل‌های فارسی را در حوزه خانواده (نگرش به مرد و زن، اولاد)، مشاغل اجتماعی و نگرش به پیشه‌ها و پیشه‌وران، خلیقات آن‌ها و جایگاه اجتماعی‌شان در جامعه، تیپ‌های اجتماعی و نگرش غالب جامعه به آن‌ها و آداب و رسوم اجتماعی رایج در بین مردم دسته‌بندی نموده و در هر حوزه نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها و کاربرد اجتماعی آن‌ها در موقعیت‌های مناسب را ذکر کرده است. در افسانه‌های اندونزی که در کتاب‌های کودکان منتشر شده است، خشونت فیزیکی مستقیم و غیرمستقیم و خشونت کلامی دیده می‌شود. خشونت فیزیکی مستقیم، با عمل عامل یا عاملان در استفاده از بدن مانند دست یا پا و یا استفاده از سلاح صورت می‌گیرد. خشونت غیرمستقیم با کمک شخص دیگری انجام می‌شود. خشونت کلامی در ۱۲ مقوله دسته‌بندی شده است. برچسب‌زدن، تهدید به قتل، تهدید به صدمه زدن، تحقیر کردن، تهدید به صدمه زدن به اموال، فحش دادن، ناسزا گفتن به مادر، با عصبانیت برخورد کردن، تهمت ناروا دادن و نسب مادری را زیر سؤال بردن، از خشونت‌های زبانی رایج در فرهنگ اندونزی است. (کونیتا ماسیکورو،^۱ ۲۰۱۶).

به گفتهٔ قیصرخان^۲ (۲۰۱۵)، ضرب‌المثل‌های پشتون با تجربهٔ زیسته، فرهنگ و سنت‌های بومی پشتون‌ها پیوند دارند و ساختار اجتماعی پدرسالار را تقویت می‌کنند. در این جامعه از اصطلاحات زبانی جنسیتی به‌عنوان ابزاری برای حفظ نابرابری جنسیتی و بازتولید و کنترل ساختار اجتماعی که مشخصهٔ آن عدم تعادل جنسیتی است، استفاده می‌شود. زبان ضرب‌المثل‌ها از مردانگی و سلطهٔ مردان در فرآیند تصمیم‌گیری، تقسیم کار، حوزهٔ خانواده و عرصهٔ عمومی حمایت می‌کند.

در ضرب‌المثل‌های چینی علی‌رغم این‌که زنان حضور کمی دارند؛ اما نابرابری جنسیتی در تصویر کلیشه‌ای از زنان مشهود است. زنان به مردان وابسته و مطیع توصیف شده‌اند و تنها به خاطر جذابیت جسمی خود، پاکدامنی، نقش‌های داخلی خانه و توانایی پسردار شدن برای ادامهٔ نسل خانواده ارزش‌گذاری می‌شوند؛ اما از طرف دیگر مردان به خاطر توانایی‌ها، پیوندهای اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی‌شان مانند

1. Qanitah Masykuroh

2. Qaisar Khan

شجاعت، فروتنی و مهربانی ارزش گذاری می شوند. علاقه مردان به زنان به صورت خنثی یا مثبت به خاطر لذت جنسی یا عشق رمانتیک است که این امر از عینیت جنسی زنان حکایت دارد. در ضرب المثل های چینی، برتری مردان بر اساس ساختار عمومی مردسالار و اولویت مردان قابل مشاهده است (لی، ۲۰۱۵). مرور مطالعات انجام شده نشان می دهد که فرهنگ عامه به ویژه ضرب المثل ها، از منابع اصلی بررسی موضوعات مهم هویت جنسیتی و مسائل اجتماعی است. ضرب المثل ها بازتاب دهنده آداب و رسوم، عقاید، ارزش ها و هنجارهای نسل های پیشین است که در فرآیند جامعه پذیری و درونی کردن ارزش های اجتماعی بر ذهنیت و کنش های اجتماعی نسل های آتی از جمله رفتارهای خشونت آمیز تأثیر بسزایی دارند. بر اساس چنین فهمی از جایگاه و کارکردهای مثل هاست که بازنمایی و آشکارسازی معنایی خشونت در ضرب المثل های لکی که تاکنون مطالعه ای از این دست در خصوص آن ها صورت نگرفته و به عنوان بخشی از ریشه های فرهنگی و اجتماعی خشونت در فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی قوم لک تلقی می شود، در دستور کار این نوشتار قرار گرفته است.

۳. چهارچوب مفهومی

از آنجاکه هدف و مسئله اصلی پژوهش حاضر، جستجوی ریشه های فرهنگی و اجتماعی انواع خشونت بین فردی در میان مردمان لک نشین استان لرستان از خلال بررسی ضرب المثل های لکی (به عنوان بخشی از فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی آن ها در نظر گرفته شده است که می تواند در بردارنده چنین بن مایه هایی فرهنگی برای ابراز و اعمال خشونت باشد)؛ به نظر می رسد مفاهیم و دیدگاه های نظری مرتبط و حمایت کننده از این ایده و پرسش های مرتبط با آن، باید به حوزه هایی چون ریشه های فرهنگی و اعتقادی خشونت به عنوان یک کردار انحرافی، آسیب شناختی و گاه مجرمانه، ابعاد مرتبط با هویت و ساختار جامعه قبیله ای و عشیره ای، همبستگی و اعتماد درون گروهی در برابر همبستگی و اعتماد بین گروهی، زمینه های مرتبط با هویت مردانه یا مفهوم مردانگی و شرف و به طور کلی ریشه های فرهنگی تفکر یک قوم درباره مفاهیم مرد و زن، مردانگی و زنانگی و نظام جهت گیری ها و ترجیحات آن ها در کنش های اجتماعی شان مرتبط باشد. در ادامه کوشش می شود به برخی از مفاهیم و آرای مرتبط با آنچه گفته شد در اندیشه صاحب نظران این حوزه ها اشاره گردد.

دیوید متزا^۱ معتقد است در مطالعه هر رفتار انحرافی باید به رابطه میان اعتقاد و عمل توجه شود. او بر آن است که کج روی اصولاً کاربرد اعتقاد در عمل است. در دیدگاه متزا، شرح و توصیف وقایع باید از دیدگاه کنشگران و افراد دخیل در آن واقعه مطالعه گردد. بر اساس این دیدگاه، ارزش ها و باورهای فردی که مرتکب رفتار انحرافی شده است با ارزش های مرسوم در جامعه تفاوت چندانی ندارد. بسیاری از گرایش ها و ارزش هایی که در ذهن و ضمیر افراد کج رو آن ها را به انجام رفتار انحرافی سوق می دهد، در درون اعتقادات

1. Lee

2. David Matza

اجتماعی مرسوم وجود دارند که از این ارزش ها به عنوان ارزش های پنهان یاد می شود (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۲). مطابق دیدگاه پدیدارشناسی متزا، شیوع بیشتر رفتاری انحرافی در جامعه می تواند به ارزش ها و اعتقادات فرهنگی جامعه و درک و فهم کنشگران از آن پدیده برگردد.

به عنوان مثال بر اساس استدلال نظریه فرهنگ آبرو یا شرف،^۱ منطقه جنوب ایالات متحده نسبت به بقیه مناطق نرخ بالاتری از قتل دارد. این منطقه دارای خرده فرهنگ مشترکی است که در آن مردان برای استفاده از خشونت برای حل و فصل مسائل بین خود، آمادگی بیشتری دارند. به طور خلاصه، این نظریه به عنوان بخشی از زمینه فرهنگی آنان نشان می دهد افرادی که در جنوب ایالات متحده زندگی می کنند، نوعی تمایل به خشونت و آمادگی برای استفاده از آن را می آموزند (ویلیامز،^۲ ۱۳۹۱: ۱۴۳).

طبق نظر نیسبت و کوهن^۳ (۱۹۹۷)، فرهنگ آبرو یا شرف در جوامعی ایجاد می شود که افراد در معرض خطر شدید از دست دادن منابعشان باشند. در این گونه جوامع به خاطر حفاظت های محدود دولتی و همچنین به خاطر منابع کمی که توسط نظام اقتصادی تولید می شود، افراد ذهنیت منفصل و مرزبندی شده ای پیدا می کنند. در نتیجه شهروندان به ویژه مردان، احساس می کنند برای حفاظت از خود، خانواده شان و دارایی و اموالشان به ویژگی های فوق العاده مردانه نیاز دارند. در چنین بستر فرهنگی، شهرت، عدم تمایل به مدارا با دیگران، توهین و توانایی تحمیل اراده خود به دیگران، از عناصر مهم در رسیدن به رفاه اقتصادی - اجتماعی افراد محسوب می شود. کسانی که از نظر دیگران توانایی محافظت از خود، دارایی و اموالشان را دارند، احتمال کمتری دارد که قربانی دزدی و خشونت شوند. با در نظر گرفتن این شرایط، استفاده از خشونت به منظور محافظت نه تنها از نظر فرهنگی مجاز و پذیرفته شده است، بلکه تا حدودی لازم و ضروری است (ورتلی،^۴ ۲۰۰۸: ۱۲۹).

پارسونز در نظریه اراده گرایانه کنش، کنش های افراد را متضمن انتخاب از بین بدیل های متفاوت که در دوسر طیف قرار دارند، می داند. اولین نوع انتخاب بدیل از دیدگاه پارسونز، خاص گرایی - عام گرایی است (کرایب، ۱۳۸۶: ۶۰). در جوامع سنتی تعلقات قومی سبب ایجاد و تقویت هویتی در فرد می شود که در هم خونی، هم نژادی، هم مسلکی و عوامل دیگری که بر اشتراک های اعضای اجتماع یا گروه تأکید دارند، ریشه دارد. در چنین اجتماعاتی، هویت افراد بر اساس روابط نسبی و سببی با ایل و عشیره بزرگ تر که فرد با آن ها پیوند دارد، تعریف می شود. خاص گرایی نشئت گرفته از هویت های خرد، قومی و قبیله ای است که فرد منافع شخصی و گروهی را بر منافع عام ترجیح می دهد. خویشاوندگرایی از شایع ترین فرم های خاص گرایی است.

خویشاوندگرایی، احساس تعلق به گروهی خاص و تحصیل امنیت به واسطه وابستگی به آن گروه است. رابطه خویشاوندی سبب ایجاد تعهد، مسئولیت و کنش اجباری برای عضو می گردد. اعضای گروهی که باهم تعلقات و احساس خویشاوندی دارند، به دفاع و حمایت از هم می پردازند و مسائل خویشاوندان و

1. Culture of Honor

2. Williams

3. Nisbet and Cohen

4. Wortly

فامیل را مشکل خود و خانواده محسوب می کنند (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۷). عام گرایی الگوی هنجاری است که کنشگر یک پدیده را جزئی از طبقه عمومی به شمار می آورد و ارتباط ویژه و خاصی را بین خود با سوژه قائل نمی شود؛ اما در خاص گرایی انتخاب کنشگر بر اساس رابطه ویژه بین او و سوژه صورت می گیرد (کرایب^۱، ۱۳۸۶: ۶۰). عام گرایی نوعی جهت گیری ارزشی مبتنی بر عناصر منطقی کنش است که زمینه را برای بروز و ظهور کنش های منطقی مبتنی بر قواعد عام فراهم می کند (غفاری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۷). مفهوم نقش های جنسیتی (مردانگی و زنانگی) توسط جامعه شناس آمریکایی تالکوت پارسونز بیان شد؛ کسی که اظهار داشت تمایز اجتماعی یکی از الزامات جامعه است و تقسیم کار در خانواده بین زن و مرد از الزامات اساسی اجتماعی شدن کودکان است. نهادهای خانواده، رسانه ها، گروه های همسالان و مدرسه، عوامل اصلی اجتماعی شدن کودکان هستند. کودکان به واسطه تعامل با این نهادها، نقش مناسب جنسیتی را یاد می گیرند و مرد یا زن می شوند (برد، ۲۰۰۸: ۲).

دریدا معتقد است ریشه خشونت در اشکال متنوع آن در زبان است. از دیدگاه او زبان با ایجاد تمایزهای سلسله مراتبی، روابط نامتقارن را ایجاد می کند. دریدا با تأکید بر خشونت بنیادی، به تشریح چگونگی استثمار شدن اقشار ضعیف تر و به حاشیه رانده شدن توسط گروه های قدرتمند می پردازد که در حوزه تولید معنا امتیازات ویژه دارند (شهبازی مقدم، ۱۳۹۵: ۴۷). در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، استرالیا و ترکیه، مردانگی غالباً کلیشه ای است و از یک مرد انتظار می رود خصوصیات نظیر استقلال، قدرت بدنی، پرخاشگری، رقابت پذیری، واقعی فکر کردن، عقلانیت و احساسات کمتری داشتن نسبت به زنان را از خود نشان دهد. در مقابل از زنان انتظار می رود بیشتر همکاری کنند، از نظر جسمی ضعیف، مهربان، جذاب، احساسی، آراسته، وابسته، ملایم، مذهبی، ساکت، غیرمنطقی و منفعل بوده و ارتباطات بیشتری نسبت به مردان داشته باشند (بزکورتا، ۲۰۱۵: ۲۵۵).

از نظر مسراشمیت^۴ (۱۹۹۳: ۸۲)، مردان در تکمیل پروژه جنسیت خود به دنبال یک نوع مردانگی هژمونیک هستند. مشخصات مهم این نوع مردانگی عبارت است از رقابت، استقلال، کنترل، اقتدار، پرخاشگری و مصمم بودن. خشونت مردان به عنوان ابزار قدرتی نگریسته می شود که مردانگی آنها را تقویت می کند (هولت و الیس، ۱۹۹۸: ۵). از یک جنسیت انتظار می رود که بعضی رفتارها انجام پذیرد و این انتظارات بسته به جنسیت درگیر در آنها متفاوت است. برای مثال، استقلال داشتن متعلق به جنسیت مردان در حوزه عمومی است و برای مردان خشونت و پرخاشگری اغلب یک رفتار مورد انتظار است (آدري روت، ۲۰۱۱: ۷).

1. Craib
2. Bird
3. Bozkurt
4. Masserschmidt
5. Holt & Ellis
6. Audrey Ruth

۴. روش

در پژوهش مبنایی این نوشتار، استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد توجه بوده است. این روش برای تفسیر ذهنی محتوایی داده های متنی از طریق فرایندهای طبقه بندی نظام مند، کدبندی و تم سازی یا طراحی الگوها شناخته شده است. تحلیل محتوای کیفی، به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می رود و تم ها یا الگوهایی را که پنهان یا آشکار هستند، به صورت محتوای آشکار می سنجد (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱: ۸۳).

تحلیل محتوا به سه شیوه معمول یا متداول^۱، هدایت شده^۲ و تلخیصی^۳ انجام می گیرد (هی و شانون، ۲۰۰۵). تحلیل محتوای متداول، معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به کارگیری مقوله های پیش پنداشته می پرهیزند و در عوض ترتیبی می دهند که مقوله ها از داده ها ناشی شوند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲). از آنجاکه در این پژوهش تشریح و مقوله بندی نهایی پدیده خشونت در ضرب المثل های لکی مورد نظر بوده، از روش تحلیل محتوای معمول یا متداول^۴ استفاده شده است.

به این ترتیب برای جمع آوری داده ها، نخست کتاب هایی^۵ که ضرب المثل های لکی در آن ها گردآوری شده است، بررسی گردید. سپس به منظور راستی آزمایی و مضمون کاوی، با ۲۰ نفر از مردان پناه سال به بالا و مطلع و خبره در مورد فرهنگ عامه لکی مصاحبه شد. سرانجام ضرب المثل های لکی که همه مصاحبه شوندگان در مورد معنای آن نظر مشترکی داشتند و دلالت آن بر خشونت را تأیید کردند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به عبارت دیگر، مقوله ها به شیوه استقرایی از متن داده ها، استنباط و صورت بندی شدند.

در این کار کوشش شد از مقوله های از پیش تعیین شده استفاده نشود و برای دست یافتن به مقوله های نهایی، نخست با قرائت و بررسی ضرب المثل ها، مفاهیم اولیه استخراج شدند. سپس آن ها را در زیر مقوله هایی که بر اساس معنا و مقصود ضرب المثل ها مشابه بودند، دسته بندی کردیم. در نهایت، زیر مقوله های مشابه در چهار مقوله کلی تر و انتزاعی تر (خشونت کلامی، خشونت ابزار سلطه، تشویق به زورمندی و خشونت و خصومت و ستیزه جویی) زیر طبقه بندی شدند.

1. Conventional
2. Directed
3. Summative
4. Hsieh & Shannon

۵. در مقاله ایمان و نوشادی، از معادل فارسی عرفی و قراردادی استفاده شده است.

۶. ادبیات عامه لکی (امیدعلی نجف زاده)، زبانزدهای لکی (علی مردان عسگری عالم)، دستور زبان لکی، ضرب المثل و واژه نامه ها (عالی پور خرم آبادی) و بومیان دره مهرگان (رستم رحیمی).

۵. یافته‌ها

پس از مرور و تحلیل ضرب‌المثل‌های لکی که به نحوی بر نوع یا جنبه‌ای از خشونت دلالت داشتند، مفاهیم، زیرمقوله‌های متعدد و مقوله‌های چهارگانه متفاوتی به دست آمد که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند و به کوتاهی توصیف خواهند شد. در پایان، تم یا مضمون نهایی و مشترک مقولات به دست آمده بیان می‌شود (نگاه کنید به جدول شماره ۱).

تم	مقولات	زیرمقولات
خشونت عامل ایجاد انسجام درون‌گروهی و به مثابه راه‌حل مسائل اجتماعی	خشونت کلامی	- خشم و پرخاشگری - تحقیر و اهانت - تحقیر و تبعیض علیه زنان - اوصاف افراد خشونت طلب - تهدید به استفاده از خشونت
	خشونت، ابزار سلطه	- بیم از قربانی خشونت شدن - شکوه و شکایت از زورگویی - ضعیف‌کشی و زورگویی به افراد ضعیف و ناتوان
	تشویق به زورمندی و خشونت	- نگرش اسطوره‌ای به زور و خشونت - ضرورت انتقام‌گیری و مقابله به مثل
	خصومت و ستیزه‌جویی	- همزادی خصومت و رقابت - همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله‌ای

جدول شماره ۱: زیرمقولات، مقولات و تم اصلی موضوع

۵-۱. خشونت کلامی

خشونت کلامی، یادآور خشونت در کلام و گفتار نسبت به دیگران به نحوی از انحاست. این نوع از خشونت، می‌تواند آغاز رشته‌ای از رفتارهای خشونت‌آمیز بعدی بین فردی و بین‌گروهی باشد. درعین حال، این پدیده به تنهایی آزاردهنده و مخل روابط توأم با همبستگی و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته است. این مقوله، از زیرمقوله‌های خشم و پرخاشگری، تحقیر و اهانت، تحقیر و تبعیض علیه زنان، اوصاف افراد خشونت طلب و تهدید به استفاده از خشونت تشکیل شده است.

• خشم و پرخاشگری

- کوتی خونه kwetĭ xweĭ na

چهره‌اش به شدت برافروخته است و خشم و پرخاشگری از سر و صورتش می‌بارد!

- مری مژ نر دیوه mari mež wa nara dĭ

فرد عصبانی مثل دیو برافروخته است! این ضرب‌المثل در اشاره به افرادی به کار می‌رود که دارای منطق و اهل گفت‌وگو نیستند.

- کس نمای و گرد بوشتی ری مالت هارکو kasē nemāi va gard būštē rē mālet harkū

کسی جرئت ندارد از او سؤالی بپرسد!

- هناسه | سر شونا مه henāse e sar šonā me

فرد به شدت عصبانی که آرامشش را از دست داده است و آرام و قرار ندارد!

• تحقیر و اهانت

- سگ ار در مال صا وژ پاس make sag ar dar māl sāw wež pās

سگ در خانه صاحب خودش پاس می‌کند! در اشاره به فردی گفته می‌شود که فقط در بین قوم و نزدیکانش اهل جنگ و نزاع است و در بیرون از گروه ترسو است.

- گرگی مردیو کاور لری میا پتا gwerge merdĭo kāwer larē miyā petā

گرگی مرده بود و گوسفند نحیفی با پوزه او را زیرورو می‌کرد! در اشاره به موقعیتی به کار می‌رود که فرد ضعیفی از موقعیتی علیه دیگران استفاده کند.

- و چه بلاونمت و چت بوشم خاص va ča belāwenmet va čat būšem xas

چیز خاصی در وجودت نیست که تو را با آن وصف کنم! در اشاره به افرادی به کار می‌رود که ویژگی و توانایی برجسته‌ای ندارند و در جایگاه پایینی از اجتماع قرار دارند.

- همال شای کر hwemēl sāi kar

کسی که دشمن از او حساب نمی‌برد و نمی‌ترسد! در اشاره به افرادی به کار می‌رود که ضعیف و ناتوان هستند و دیگران از آن‌ها حساب نمی‌برند.

• تحقیر و تبعیض علیه زنان

- پشت پشت پدره، مادر رهگذره pešt pešt pederā, mādar rahgozeræ

اصل و نسب، پدری است و مادر رهگذر است! بر اساس فرهنگ ایلی و عشایری، هویت افراد بر اساس نسب پدری تعریف می‌شود.

- نه بیوه بگلر نه یتیم خود سر na bēwa baglar na yatēm xwedsar

نه زن بیوه باید مستقل و خودرأی باشد و نه بچه یتیم! در فرهنگ ایلی و عشایری زنان بیوه به دلیل نداشتن شوهر و بچه‌های یتیم به خاطر نداشتن پدر، در سلسله‌مراتب اجتماعی از جایگاه و موقعیت پایین‌تری برخوردارند.

- هفت خو مال ی برا آوا نمهن haft xwa māl ye berā āwa nemehan
هفت تا خواهر خانه یک برادر را آباد نمی کنند، یعنی دردی از او دوا نمی کنند! بر اساس فرهنگ ایلی و عشیره ای جایگاه و موقعیت هر عضو اجتماع با توجه به تعداد اعضای مذکر گروه نسبی که عضو است، تعیین می شود.

- چینه کوخای ژنی داونه بینت افتخار نیه هنیجی نیاو سر شکسی نیه
Čīna kewxāī žanē dāwna binet eftexar nēya hanlje nīyawo sar šekesi nēya
وقتی به خواستگاری زنی رفتی، اگر به شما دادند افتخاری ندارد و اگر به شما ندادند چندان چیز مهمی نیست! دلالت بر کم ارزش بودن زن در ساختار و بافت اجتماعی ایلی و عشیره ای دارد.

• اوصاف افراد خشونت طلب

- دوشاهی آشر دان Došāhē a šar dāin
اشاره به فرد نزاع طلبی دارد که حاضر است هزینه کند تا در دعوا و نزاعی مشارکت داشته باشد.
- شمشیر گر خاص و غلاف نموسی emšir kor xās va qelāfā nemusē š
شمشیر مرد واقعی در غلاف نمی رود و همیشه آماده نبرد است! دلالت بر مهم و باارزش بودن رفتار تهاجمی در فرهنگ ایلی و عشیره ای دارد.
- وه شر و کم زور va šār ō kam zur
کسی که دنبال دعوا و نزاع است، اما زور و قدرت بدنی هم ندارد! در اشاره به افرادی به کار می رود که عامل ایجاد نزاع و دعوا هستند، اما توانایی جنگیدن و ایستادگی در مقابل حریف را ندارند.

• تهدید به استفاده از خشونت

- خاک تون توره مکیشن xāk tunæ tūræ mækēšn
خاک شما را به توپره می کشند! در موقعیت تهدید به غارت کردن به کار برده می شود.
- بارتون مکن bārtunæ mækæn
تهدید به بیرون کردن فرد یا افرادی از خانه و زندگی شان به کار می رود!
- دوشمین و باو بگم نه تا دوشمین و باو سگت نم dwešmin va bāwa bagem ne tā dwešmin
va bāwa saget nam
پدر بزرگ و محترم مرا را فحش نده تا پدر سگت را فحش ندهم! تهدید مقابله به مثل.

۲-۵. خشونت ابزار سلطه

مقوله خشونت ابزار سلطه، یادآور اعمال خشونت و ستم در صورت داشتن قدرت و پذیرش سلطه یا ستم پذیری در صورت فقدان قدرت نزد افراد است؛ خصلتی که به طور ریشه دار و تاریخی در فرهنگ و جامعه ما به خاطر متأثر بودن از ویژگی های جوامع قبیله ای و عشیره ای وجود دارد و در فرایند تحولات اجتماعی و تاریخی پیشین و معاصر تأثیر منفی قابل توجهی داشته است.

این مقوله، از زیرمقوله‌های بیم از قربانی خشونت شدن، شکوه و شکایت از زورگویی و ضعیف‌کشی و زورگویی به افراد ضعیف و ناتوان تشکیل شده است:

• بیم از قربانی خشونت شدن

- کوچکی اُبَره نمایی بنیش سایر *kwčēkē æ bæneræ nemāine benišie sār*
اگر توانایی برداشتن یک سنگ را نداری، در سایه‌اش بنشین! اشاره به این دارد که هرگاه توان مقابله با کسی را نداری، با او زور آزمایی نکن.

- هنی تنگت اَمسای دات بوش کاک *hanē tangta a mesāi dāt būš kākæ*
اگر شرایط مبارزه و انتقام‌گیری را نداری، به کسی که به مادرت نظر سوء دارد بگو بابا!
- میروژ که موت بال ایره مار *mārē miruž ke mote bāl ēira*
مورچه زمانی که اجلس فرامی‌رسد، بال پرواز درمی‌آورد! اشاره به افرادی است که موقعیت و جایگاه اجتماعی خودشان را درک نمی‌کنند و قصد رویارویی با افراد قدرتمند و زوردار را دارند.

• شکوه و شکایت از زورگویی

- آر سر مالِم بیر بالِم *a sar mālem bēyar bālem*
بر سر حق خودم بزن، بالِم را هم بشکن! در اشاره به موقعیتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند کسی یا کسانی سعی دارند حقش را بالا بکشند.

- بکشم اَمال وژم خونم به *bekošēm e māl wežēm xwinem be*
مرا بگش و از دارایی خودم دیه‌ام را بده! در اشاره به موقعیتی است که فرد یا افرادی به صورت آشکار قصد زورگویی و تجاوز به حق و حقوق فردی را دارند و هیچ عرف و هنجار اجتماعی را رعایت نمی‌کنند.
- زوردار بی‌زور *zur dār bi zur*

زوردار بی‌زور شده است! به موقعیتی اشاره دارد که همه عرف‌ها و هنجارها زیر پا گذاشته شده‌اند و دوگانگی زوردار و قدرتمند علیه ضعیف و ناتوان برقرار شده باشد و ظلمی آشکار در حال وقوع است.

• ضعیف‌کشی و زورگویی به افراد ضعیف و ناتوان

- خر اَبَن خرِ نمای زور اِ پالون مایچه *xar a ban xare nemai zūr e pālina māyjē*
خر، زور خرِ دیگر را ندارد و به پالان صدمه می‌زند! موقعیتی را بیان می‌کند که فرد یا افرادی توانایی مقابله با رقیب اصلی خود را ندارند و در عوض فرد یا افراد ضعیفی را به عنوان رقیب مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

- دو کافر آر سر مال بسلُمونی بوین جن *dwo kāfer a sar māl besalmome bina jan*
دو کافر و بی‌دین بر سر مال بسلُمونی بوین جن دعوا داشتند! اشاره به موقعیتی دارد که دو فرد و یا گروه متجاوز و زورگو قصد بالا کشیدن مال و دارایی فرد دیگری را داشته باشند.

- گاال زیونین مهن دُم گرکه مورِن *gāl zewēn mehan dewem gwrak mewriyan*
گاوها شیطنت می‌کنند و دُم گوساله را می‌برند! در اشاره به موقعیتی بیان می‌شود که فرد یا افرادی جرمی را مرتکب شده‌اند و فرد ضعیفی مجازات می‌گردد.

۳-۵. تشویق به زورمندی و خشونت

مقوله تشویق به زورمندی و خشونت، بر نقش بی بدیل زور و قدرت در تنظیم روابط اجتماعی قوم لک و اجتماعات نظایر آن دلالت دارد. در این گونه جوامع، داشتن زور و قدرت به تنهایی مشروعیت لازم برای اعمال آن و رفتارهای خشونت آمیز را در بردارد. این مقوله، از دو زیرمقوله نگرش اسطوره ای در مورد زور و قدرت و ضرورت انتقام گیری و مقابله به مثل تشکیل شده است.

• نگرش اسطوره ای در مورد زور و قدرت

- زور برا خدا *zūr berā xwedāya*

زور برادر خداوند است! این ضرب المثل نقش زور و خشونت در ساختار و بافت اجتماعی را نشان می دهد که بر پیوندهای قومی و قبیله ای استوار است.

- هر جا زوره قوله باطله *har jā zuræ qolæ bātēlæ*

هر جا که زور باشد، قولنامه باطل می شود! این ضرب المثل به نقش و جایگاه زور و خشونت در مناسبات اجتماعی و تأثیر زور و خشونت بر مالکیت خصوصی، اشاره دارد.

- دس زور سامون نره *dase zuræ samoun neræ*

هرجایی که زور و خشونت وجود دارد، نظم و نسق اجتماعی وجود ندارد و همه امور بر خواست قدرت و زور می چرخد! این ضرب المثل به این امر اشاره دارد که در متن روابط عشیره ای و قبیله ای، زور و قدرت برتر و بالاتر از هر پدیده اجتماعی است و از هیچ عرف و آداب و رسوم اجتماعی تبعیت نمی کند.

- مال هی یا قرون هورتی برو یا زورداری *māl he yā qewron hewartē borte yā zurdārē*

مال یا دارایی که بر روی آن اختلاف وجود دارد، متعلق به فردی است که یا سوگند بخورد یا زور و قدرت داشته باشد! این ضرب المثل برای زور و قدرت، مشروعیتی برابر با سوگند خوردن به متن مقدس قائل است.

• ضرورت انتقام گیری و مقابله به مثل

- هیواین شو طعنه روژه *heywāin šew tana ružā*

فرار در شب، طعنه روز در پی دارد! اشاره به این دارد که کناره گیری از رقابت و رویارویی، باعث طعنه و سرزنش اجتماعی می شود.

- جنگ مه ار جنگ جاکه بکینی *jan mæ ar jan jā bekenē*

جنگ باید در محل جنگ و نزاع رخ بدهد! به لزوم انتقام سریع اشاره دارد.

- واحال خوینی شوو بایته مله *melerā va hāl xwini šew bāitēæ*

وای به حال قتلی که یک شب از قصاص اون گذشته باشد! این ضرب المثل نیز به ضرورت و فشار اجتماعی انتقام سریع اشاره دارد.

- چو نرم کرمه مرته *narm kerma mæretē Čū*

چوب نرم پوسیده می شود! به ضرورت قوی بودن مرد اشاره دارد. بر اساس این ضرب المثل، پرخاشگری و خشونت ورزی از شاخص های مهم و برجسته هویت مردانه به شمار می روند.

- خرا خری بنیرا مه یال دم بورنی xari e xari benirā me yāl dwem borine
خری که از خر دیگر ببازد، باید یال و دم او را ببری! اشاره به این دارد که نباید در برابر دیگران کوتاه بیایی و مقابل به مثل کنی. به ضرورت و فشار اجتماعی رقابت و خشونت ورزی متقابل اشاره دارد.

۴-۵. خصومت و ستیزه جویی

مقوله خصومت و ستیزه جویی از دو زیرمقوله همزادی خصومت و رقابت، همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله ای تشکیل شده است و آشکارا بر ارزشمند بودن زورمندی، داشتن قدرت و اعمال خشونت به طور پیوسته و مداوم دلالت دارد و خواهان پشتیبانی خانوادگی و جمعی از نزاع کنندگان حین بروز جنگ و دشمنی است که می تواند زمینه ساز چرخه ای از خشونت های بین فردی و دسته جمعی باشد.

• همزادی خصومت و رقابت

- نه گیه و پوس ماو و نه دشمن و دوس ماو na gēæ væ pusæ māw na dušman væ dusæ māw

نه از بافت معده چرم ساخته می شود و نه دشمن به دوست تبدیل می شود! این ضرب المثل به حفظ خصومت و ضرورت اجتماعی دشمنی اشاره دارد.

- پته کوبنه پیلوس نماو، کوبنه هومال و دوس نماو pata kwēna pēlus nemāw kwēna hewmāl a dus nemāw

همان طور که از پنبه کهنه رشته ای به دست نمی آید، از دشمنی دیرینه هم دوستی عاید نمی شود. این ضرب المثل به پایداری دشمنی و رقابت در بافت و ساختار قومی و قبیله ای اشاره دارد.

- برا هومال برا berā hwmāl bērā

برادر دشمن برادر است! به این اشاره دارد که در برخی موارد افراد قوم و قبیله، دشمن و رقیب هم می شوند.

• همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله ای

- تفنگ وخت جنگ برا وخت تنگ tefag vaxte jaŋ berā vaxt tan

تفنگ در زمان جنگ و برادر در زمان تنگ به کار می آیند! به لزوم همبستگی در جنگ و نزاع قومی و قبیله ای اشاره دارد.

- برا چو پشت برا berā čū pešt berā berā

برادر چوب پشت برادر است! اشاره به این دارد که برادر و قوم و فامیل در جنگ و دعوا عامل موفقیت و پیروزی هم هستند.

- کافر خدا چو ژار بو kāfer xwedā čū žār bū

خداوند هیچ کس را از نظر تعداد افراد جنگجو کم تعداد نکند! بر اهمیت تعداد مردان جنگجو در قوم و قبیله اشاره دارد.

- شیر ی آنوم دوروا زوینه šēri ē nom dū ruā zewēna

شیر در بین دوروباه زبون و ضعیف است! بر اهمیت همبستگی و انسجام درون گروهی اشاره دارد.

- جنگ برا مکیته و شیون دلسوز *jan̩ berā maketē vā šiwāen delsūz*

در هنگام جنگ و نزاع، برادر (مرد) به کمک می‌آید و شخص دلسوز (زن) شیون و زاری می‌کند! بخشی از هویت مردانه به واسطه توانایی خشونت‌ورزی و قابلیت جنگیدن تعریف شده است.

با تأمل در ضرب‌المثل‌های لکی مروج و مشوق خشونت در تعاملات و روابط اجتماعی در زندگی جمعی، وجه اشتراک ضرب‌المثل‌ها (تم اصلی) نمایان می‌گردد. مفهومی که آشکارا و یا به صورت ضمنی از این ضرب‌المثل‌ها استنباط می‌شود، بر این نکته کلیدی تأکید دارد که پدیده خشونت نقش محوری در زندگی اجتماعی و روزمره مردمان لک‌زبان ایفا می‌کند. داشتن روحیه ستیزه‌جویی و توانایی اعمال کنش خشونت‌آمیز برای مردان، پاداش اجتماعی اطلاق صفت «مردانه» را در پی دارد و داشتن چنین روحیه و توانایی، سبب کسب اعتبار و منزلت اجتماعی می‌شود. در اجتماع مردمان لک‌نشین خشونت به عنوان «عامل ایجاد انسجام درون گروهی و به مثابه راه حل مسائل اجتماعی» درک و تصور می‌شود. درواقع در فرهنگ عامه لکی که ضرب‌المثل‌ها بخشی از این فرهنگ محسوب می‌گردند، استفاده از کنش خشونت‌آمیز نه تنها مذموم پنداشته نمی‌شود، بلکه به خشونت به عنوان عامل ایجاد انسجام گروه در برابر گروه‌های رقیب یا «ه‌مال» نگریسته می‌شود و همچنین خشونت نه تنها مسئله اجتماعی نیست، بلکه راه حل مسائل اجتماعی به شمار می‌آید.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

خشونت از جمله مسائل مهم اجتماعی به شمار می‌رود که ویژه یک جامعه خاص نیست و از دیرباز در همه جوامع مشاهده شده است؛ به طوری که همچنان این مسئله در روابط و مناسبات اجتماعی نمود دارد و در نتیجه پیوندهای میان افراد جامعه را نابسامان می‌سازد. همان‌گونه که مشاهده شد، در ضرب‌المثل‌های لکی به عنوان بخش برجسته‌ای از ادبیات شفاهی این قوم، موارد بسیاری وجود دارد که به اشکال متفاوتی از خشونت اشاره نموده است. این گویای آن است که خشونت در بافت و ساختار اجتماعی قوم لک، پدیده‌ای اجتماعی است و در مناسبات اجتماعی میان اعضای جامعه نقش محوری ایفا می‌کند.

خشونت در ضرب‌المثل‌های لکی در اشکال گوناگونی بازنمایی شده است. خشونت کلامی از صورت‌های خشونت است که ضرب‌المثل‌های مختلفی درباره آن ساخته و پرداخته شده است. عصبانیت، توهین و تحقیر نسبت به دیگران، تبعیض نسبت به زنان و کوچک‌شماری ایشان، تهدید به به کارگیری خشونت، ضرورت انتقام‌گیری سریع و مقابله به مثل با دشمنان و ضرورت حفظ رقابت و دشمنی با دیگران، از جمله اشکال خشونت هستند که ضرب‌المثل‌های بسیاری بر این گونه رفتارهای خشونت‌آمیز دلالت دارند.

در ضرب‌المثل‌های لکی خشونت با هویت مردان عجین شده و یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده هویت مردان، قدرت پیکار و جنگجویی مرد است. هویت مردانه بیشتر بر کسانی اطلاق می‌گردد که ویژگی مبارزه‌طلبی، ستیزه‌جویی و حس رقابت در ایشان نمود بیشتری داشته باشد؛ به طوری که به فرد فاقد توانایی مبارزه و ستیزه‌جویی، صفت مرد اطلاق نخواهد شد و بر پایه رویکرد مردسالارانه و پدرسالارانه تبار لک برچسب منفی «زن» برای او به کار می‌رود (تو که مرد نیستی، زن هستی)!

بین روحیه ستیزه جویی و توانایی اعمال کنش های خشونت آمیز با اطلاق هویت مردانه، رابطه مستقیمی وجود دارد و به عبارتی هسته مرکزی هویت مردانه، توانایی اعمال کنش خشونت آمیز است. بر پایه ضرب المثل های لکی، هویت مردانه به کسانی اطلاق می شود که می توانند مبارزه کنند و هویت خود را مقابل دیگری که از او به عنوان «هُمال» دشمن یا رقیب یاد می شود، تعریف نمایند و به طور آشکار ذکر شده که جنگ را برادر و شیون و گریه را دلسوز (که به طور ضمنی به زن اشاره دارد) انجام می دهند.

بر پایه فرهنگ قوم لک، از زنان به دلیل ساخت بدنی و توان جسمانی کمتر، چشمداشتی برای همراهی در مبارزه و ستیزه جویی وجود ندارد. بیشتر ضرب المثل هایی که حامی رفتار خشونت آمیز هستند به مردان اشاره دارند. در ساختار و بافت قومی و قبیله ای که هر طایفه و قبیله ناگزیر بوده از خود دفاع کند و بر نیروی جنگی و نظامی خود متکی باشد، از مردان انتظار می رود قوی، ستیزه جو و اهل مبارزه باشند؛ از این رو زنان بیشتر در محیط داخلی خانه حضور داشته اند و به دلیل نبود امنیت فراگیر و شیوه معیشت سختی که مبتنی بر کشاورزی و دامپروری است، امکان حضور در فضاها ی عمومی را نداشته اند. از میان مردان، کسانی بیشتر مورد احترام و از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار بوده اند که توان جسمانی بیشتر و خوی جنگ آوری بالاتری داشته اند؛ به طوری که ویژگی یک مرد ایدئال در این است که همیشه آماده نبرد و نزاع باشد (شمشیر مرد واقعی در غلاف نمی رود و همیشه آماده جنگ است). در این ضرب المثل ها خشونت لازمه زندگی اجتماعی است و عامل برتری و حفظ جایگاه و جایگاه بالاتر اجتماعی به شمار می رود.

در جامعه سنتی، عناصر مذهبی از بالاترین اهمیت برخوردارند و برای سنجش اهمیت هر پدیده، نسبت آن پدیده را با آموزه های مذهبی مقایسه می کنند. در ضرب المثل های لکی، زور و خشونت و رزی حکم و جایگاهی هم وزن عناصر مذهبی دارد (زور برادر خدا است) و همان گونه که در جامعه مذهبی عناصر مذهبی بالاتر از امور مادی پنداشته می شوند، در ضرب المثل های لکی، زور فیزیکی و خشونت برتر از همه امور اجتماعی تصور شده اند. بدین ترتیب فرد یا افرادی که قدرت جسمانی بیشتری دارند، از امکانات مادی و اجتماعی بیشتری بهره مندند و از دید اجتماع از منزلت بالاتری برخوردار خواهند شد.

در جوامع مذهبی هرگاه اختلافی پیش می آید، سوگند یادکردن یکی از طرف های اختلاف امکان حل مشکل را فراهم می سازد. در این ضرب المثل ها داشتن زور و قدرت بدنی جایگاهی هم پایه با سوگند یادکردن به متون مذهبی دارد (مال و دارایی مورد اختلاف را شخصی که سوگند یاد می کند یا فرد زوردار و قوی می تواند تصاحب کند). در ساختار قومی و قبیله ای، زور و قدرت جسمانی می تواند مالکیت را جابجا کند. قولنامه و متن نوشتاری که اثبات کننده مالکیت فرد بر دارایی به خصوص زمین است، با وجود زور و قدرت جسمانی امکان دارد نادیده گرفته شود.

در تم اصلی موضوع، خشونت عامل انسجام درون گروهی و به مثابه راه حل مسائل اجتماعی است. ضرب المثل ها بازتاب دهنده ذهنیت و نگرش مردم و به طور کلی ساخت واقعیت اجتماعی هستند. آن ها فهم و درک اعضای جامعه از پدیده های اجتماعی را بازتاب می دهند. به این ترتیب می توان گفت ضرب المثل های لکی به عنوان بخش برجسته ای از فرهنگ عامه (فولکلور) و ادبیات شفاهی قوم لک بیانگر نوعی بر ساخت اجتماعی هستند که در آن ها پدیده خشونت از جایگاه و موقعیت محوری برخوردار است. در این

ضرب المثل‌ها درباره روحیه ستیزه‌جویی و توانایی اعمال کنش‌های خشونت‌آمیز، نگرش و ذهنیت ناپسندی وجود ندارد و اعمال خشونت نه تنها منع اجتماعی و فرهنگی ندارد، بلکه عامل برخورداری از موقعیت و جایگاه برتر در روابط و مناسبات اجتماعی است.

ضرب المثل‌های لکی، بازنمایی ساختار ایلی و عشیره‌ای است که همبستگی مکانیکی بر آن حکم فرماست، فردیت به صورت مستقل در آن هنوز شکل نگرفته و هویت افراد بر اساس رابطه آن‌ها با هستی اجتماعی بزرگ‌تر که همان ایل، طایفه و قبیله است، تعریف می‌شود (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به آزاد و همکاران، ۱۳۹۲). در این گونه از جوامع، تقسیم‌کار ابتدایی و ساده است و نهادهای نوین به صورت توسعه یافته وجود ندارند. گروه و اجتماع باید همه نیازهای خویش را برآورده سازد و یکی از مهم‌ترین نیازهای گروه، تأمین امنیت است. در این جوامع، انسجام درونی گروه یا قبیله بر اساس «غیریت‌سازی» در برابر دیگران که از آن به عنوان «همال» یا دشمن یاد می‌شود، شکل می‌گیرد. امنیت ایل یا قبیله به خودکفایی نظامی و برخورداری از نیروی جنگی وابسته است تا بتواند از اعضای گروه و دارایی‌هایشان محافظت کند. در واقع بین عناصر فرهنگی و ساخت و بافت اجتماعی رابطه متقابلی وجود دارد.

پیشنهادهای راهکارها

تا هنگامی که نهادهای نوین در برپایی امنیت اعضای اجتماع کارآمد و مؤثر نباشند، اعضای جوامع سنتی، برای تأمین امنیت خود به نیروهای امنیت‌بخش قومی و قبیله‌ای متکی خواهند بود. این روند به بازتولید خشونت منجر خواهد شد و نگرش به خشونت همچنان مطلوب و مثبت باقی می‌ماند؛ زیرا کاهش کنش‌های خشونت‌آمیز مستلزم کاهش احساس نیاز به کاربرد خشونت در روابط و مناسبات اجتماعی است. با افزایش حضور و کارایی نهادهای مدرن که هویت‌بخش و امنیت‌زا هستند، خشونت کارکرد انسجام‌بخشی درون‌گروهی و کارکردش به مثابه راه‌حل مسائل اجتماعی را از دست می‌دهد و نگرش مطلوبی که در مورد آن وجود دارد، از بین می‌رود.

به نظر می‌رسد، توسعه‌یافتگی واقعی این گونه جوامع شامل اشکال حقیقی و سازمان‌یافته‌ای از یکجانشینی و شهری‌شدن سازنده، گسترش گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و کوشش برای گونه‌ای دگرگونی فرهنگی در بستر تغییرات مثبت اجتماعی و گسترش آموزش‌های مثبت خشونت‌پرهیز، زدایش تبعیض‌های زبانی و اصلاح سیاست‌های سرکوب‌کننده زبان‌ها و هویت محلی توسط زبان و هویت مرکزی و رواج گفتمان‌های مداراجویانه و کاستن از سطح تنش و خشونت فراگیر در پهنه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در سطح کلان جامعه، بخشی از راه‌حل‌های احتمالی دگرگونی مثبت فرهنگی و اجتماعی این گونه جوامع و از جمله قوم لک خواهد بود.

منابع

- آزادارمکی، تقی؛ ترک‌ارانی، مجتبی و حق‌ندری، ایرج (۱۳۹۲). تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب المثل‌های لری. فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱: ۳۴-۹.
- آزادارمکی، تقی و بهار، مهری (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی ایران (چاپ اول). تهران: جهاد.

- آسیایی، رویا (۱۳۹۱). نفرین به‌مثابه خشونت زبانی؛ مطالعه تطبیقی نفرین‌های رایج در زبان‌های ترکی و لکی. مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران، شماره ۱۰: ۲۸۰-۱.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان: ۴۴-۱۵.
- پورافکاری، نصراله (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی: ۳۷۳-۳۸۶.
- پورنمادریان، محمدتقی (۱۳۶۸). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی (چاپ سوم). تهران: علمی و فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی. نجوای فرهنگ، شماره ۳: ۲۴-۱۵.
- رحیمی عثمانوندی، رستم (۱۳۷۹). بومیان دره مهرگان، تحقیقی پیرامون قوم «لک» بومیان دره مهرگان‌کده (سیمره) از عصر حجر تاکنون. کرمانشاه: ماهیدشت.
- سالنامه آماری استان لرستان (۱۳۹۶). فصل پانزدهم، امور قضایی. گزارش جرائم واقع‌شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی برحسب موضوع.
- سالنامه آماری استان لرستان (۱۳۹۷). فصل پانزدهم، امور قضایی. گزارش جرائم واقع‌شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی برحسب موضوع.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران (چاپ اول). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شهیازی‌مقدم، ناهید و وظیفه‌شناس، سارا (۱۳۹۵). ساختار بنیادی خشونت در زبان و تأثیر آن بر خشونت و تجاوز علیه زنان. غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول: ۴۵-۶۷.
- شیر، طهمورث و عظیمی، ندا (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای تحلیل محتوای کیفی و روش هرمنوتیک. مطالعات جامعه‌شناسی، سال چهارم، شماره پانزدهم: ۷۹-۹۹.
- عالی‌پورخرم‌آبادی، کامین (۱۳۸۴). دستور زبان لکی، ضرب‌المثل‌ها. خرم‌آباد: افلاک.
- عسگری‌عالم، علی‌مردان (۱۳۸۳). زبانزدهای لکی (چاپ اول). خرم‌آباد: امیرکبیر.
- غفاری، غلامرضا و دهقان، علیرضا (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۹۸: ۶۷-۱۰۹۸.
- کرایب، یان (۱۳۸۶). نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر، تهران: آگاه.
- کریمی، جلیل، قلی‌پور، سیاوش و علیمردادی، زینب (۱۳۹۹). بازنمایی هویت زن در ضرب‌المثل‌های لکی، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، دوره دوم، شماره ۴: ۸۸-۶۵.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) چاپ دوم. تهران: سمت.
- صفی‌زاده، علی (۱۳۹۲). زبان لکی، زبان فراموش‌شده از دوره میانه. دومین همایش ملی بررسی سیر تحول بومی لرستان (کله‌باد).
- محسنی، منوچهر (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: طهوری.
- موحد، مجید؛ عسکری‌چاوردی، محمدجواد و یادعلی، زهرا (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لمرد استان فارس. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۱۲۰: ۱-۱۰۱.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجف‌زاده‌قبادی، امیدعلی (۱۳۹۱). ادبیات عامه لکی. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- ویلیامز، فرانک پی و مک‌شین، مریلین دی (۱۳۹۱). نظریه‌های جرم‌شناسی. تهران: میزان.

- Audrey Ruth, Omar (2011). Masculinity and the acceptance of violence: a study of social construction. MA thesis, University of Iowa.

- Bird, S.R., (2008). Masculinity studies, In International Encyclopedia of the Social Sciences, 2nd edition Ed. William A. Darity, Macmillan Reference USA/Thompson Gale.
- Bozkurt, Veysel & Safak Taranoglu & Glenn Dawes (2015). Masculinity and Violence: Sex Roles and Violence Endorsement among University Students. Social and Behavioral Sciences 205(2015) 254- 260.
- Holt, C. L., Ellis, J. B. (1998). Assessing the current validity of the BEM sex-role inventory, Sex Roles, Vol. 39, N. 11/12. pp. 929-941.
- Hsieh, Hsiu- Fang & Sarah E. Shannon (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. Qualitative Health Research, Vol.15 No 9: 1277- 1288.
- Hillis, S., Mercy, J., Amobi, A., & Kress, H. (2016). Global prevalence of past year violence against children: A systematic review and minimum estimates. *Pediatrics*, 137(3):e20154079. doi:10.1542/peds.2015-4079: 1-13.
- Lee, Jackie F.K(2015). Chinese Proverbs: How are Women and Men Represented? GÉNEROS Multidisciplinary Journal of Gender Studies Vol. 4 No. 1: 559- 585.
- Marsh, Harry L (1990). A Comparative Analysis of Crime Coverage in Newspapers in The united stated and other Countries from 1960-1989: A Review of the literature. Journal of Criminal Justice Vol. 19: 67- 79.
- Masykuroh, Qanitah (2016). Physical and Verbal Violence in Indonesian Folktales Retold in Children's Books. *Kajian Linguistik dan Sastra*, Vol. 1 No. 1: 25-34.
- Massersschmidt, James W. (1993). Masculinities and Crime. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Qaisar Khan (2015). The Linguistic Representation of Gender Identities in Pakhtu Proverbs. *NUML Journal of Critical Inquiry*, Vol 13: 1-15.
- Scott. Edward M (1979). Violence in America: Violence people and Violent Offenders. *International Journal of Offender Therapy and Comparative criminology*, Vol 23:197-209.
- Silva, Aline Natalia (2019). Wealth Inequalities in Different Types of Violence among Brazilian Adolescents: National Survey of School Health 2015. *Journal of Interpersonal Violence*, Volume 36, Issue 21-22: 10705- 10724.
- Wortly, scot (2008). The Review of the Roots of Youth Violence, Volume 5, Literature Reviews. Centre of Criminology, University of Toronto. Queen,s Printer for Ontario.